

نقد آراء اهل جبر و اختیار در دیوان ناصر خسرو قبادیانی

کبری قدیری سامیان

دانشگاه محقق اردبیلی k.ghadiri14@yahoo.com

چکیده

جبر و اختیار از عمده مباحث علم کلام است که در طول تاریخ بحث‌های دامنه داری داشته است. ناصر خسرو در دیوان اشعار، به عنوان حکیمی شیعه از آزادی اراده و اختیار انسان دفاع کرده و به شدت با جبر و جبرگرایان مخالفت می‌کند. وی اعتقاد به جبر و استناد افعال به خداوند را نشانه جاهلی و گمراهی و فرار از مسئولیت انسانی، اجتماعی و الهی می‌داند؛ زیرا جبرگرایان گناه کاهلی و اعمال زشت خود را برای در امان ماندن از سرزنش و توبیخ، به خداوند و مشیت او نسبت می‌دهند. وی با دلایل عقلی، نقلی و وجدانی سعی در ابطال عقاید جبریون دارد. ناصر خسرو همچنین تفسیر معتزله از عدالت الهی را مخالف با توحید افعالی و خالقیت بلامنازع حضرت احدیت توصیف کرده و این عقیده را برنمی‌تابد. او در این مسئله به عقیده‌ی «لاجبر و لا تفویض» معتقد است که فرموده پیامبر و اهل بیت اوست.

واژه‌های کلیدی

جبر و اختیار، قضا و قدر، دیوان قصاید.

مقدمه

حکیم ناصر خسرو قبادیانی از پیروان و مبلغان اسماعیلیه است و به شدت از عقاید این فرقه حمایت می‌کند. اغلب اشعار او در دفاع از عقاید و اصول این گروه نگاشته شده است. وی حکیم و عقل‌گراست. شعر و حکمت او در خدمت عقاید دینی و منحصرأ در خدمت مذهب اسماعیلی است. وی همواره به سرکوب مخالفانی می‌پردازد که دشمنان دین و دنیابند و حق‌علی و اولاد او را ربوده‌اند و موازین شرعی را رعایت نمی‌کنند. از جمله خلفای عباسی و عالمان قشری که اصول دین را تحریف کرده و خود را پشت چهره‌های زاهدانه و فقیهانه پنهان کرده‌اند. بنابراین او خود را موظف می‌داند تا در مقابل این انحرافات، مردم را به راه درست و عقیده سالم، که به باور او همان عقاید خلفای فاطمی و مذهب اسماعیلی است، هدایت کند. وی در این راه همواره سعی دارد تا با براهین عقلی و ادله دینی، کج‌روی‌ها و اشتباهات گروه مقابل را آشکار سازد. تیغ تیز زبان و قدرت بیان و اطلاعات کافی و حکمت دینی این توان را به او می‌دهد تا از عهده این امر برآید.

از جمله مباحثی که مشغله فکری ناصر خسرو را تشکیل می‌دهد اعتقاد به جبر و اختیار و سرنوشت مقدر ناشی از آن است. از انتقاداتی که او به آراء هر دو گروه، اشاعره و معتزله وارد می‌سازد اعتقاد آنان در مسئله به جبر و یا اختیار مطلق است. اشاعره هر نوع اختیار را از انسان سلب کرده و او را موجودی دست بسته مقهور سرنوشت می‌دانند و در برابر ایشان معتزله آدمی را حاکم بلا منازع و فرمانروای مطلق سرنوشت معرفی می‌کنند. وی به شدت با عقاید هر دو فرقه مخالف است و برای رد آراء ایشان از هر وسیله‌ای استفاده می‌کند، از جمله تاثیر کلام و قدرت نفوذ سخن در قالب نظم میدان وسیعی در اختیار او قرار داده است تا در دیوان قصاید عنان سخن را برای سرکوب مخالفان به جولان در آورد.

از سوی دیگر ناصر خسرو اسماعیلی است و اسماعیلیه یکی از فرق شیعه محسوب می‌شوند، که در باب جبر و اختیار همانند شیعه امامیه به مرتبه‌ای میان جبر و اختیار قائلند و اصل عدل را باور دارند و با جبر مخالفت کرده و انسان را مختار محض نمی‌دانند. بنابراین وی همواره بر درستی عقیده خویش تاکید کرده و هرگونه مخالفت با آن را برنمی‌تابد.

این پژوهش دارای اهدافی است از جمله:

- آشنایی کلی با عقاید دو گروه اشاعره و معتزله در موضوع جبر و اختیار و سرنوشت مقدر و موضع شیعه و اسماعیلیان در برابر عقاید کلامی دو فرقه‌ی دیگر.

- تبیین دلایل انتقاد ناصر خسرو از دو گروه اشاعره و معتزله در مسئله جبر و اختیار.

- بررسی موضع ناصر خسرو در باب جبر و اختیار و سرنوشت مقدر و میزان تاثیرپذیری وی از آراء فرقه‌های دیگر. فرضیه‌های پژوهش:

به باور ناصر خسرو هر دو گروه (اشاعره و معتزله) در این مسئله به بیراهه می‌روند. ناصر خسرو در رساله‌ی گشایش و ره‌ایش ضمن پاسخ به سوالی مبنی بر این که «مردم در آن چه می‌کنند مجبورند یا مختار و عقوبت بر آن‌ها لازم است یا نه؟»^[۱] بر این نکته تاکید می‌ورزد و راه خردمندان را راه میانه‌ای معرفی می‌کند که خدا و پیغمبر (ص) بدان سفارش کرده‌اند. «ناصر خسرو نه به جبر مطلق معتقد است و نه به اختیار مطلق. او «امربین الامرین» را می‌پذیرد که هم به اراده و خواست الهی وجهی می‌نهد و هم مسئولیت و تاثیر انسان را انکار نمی‌کند.»^[۲] به عقیده ناصر خسرو خردمند گناه و کاهلی خود را به